

مقدمه بر جامعه شناسی شهری ایران

[۴]

و - دموگرافی شهری

آگاهی بر ترکیب جمعیت شهر نشینی و تحولاتی که در زمان و مکان بر آن عارض می شود ما را در شناخت احوال درونی شهرها مدد بسیار تواند کرد .

از لحاظ دموگرافی شهر اجتماعی است از انسانها در نقطه ای از مکان با این شرط که تراکم و انبوهی جمعیت از حدی پائین تر نباشد . در بیشتر کشورهای صنعتی این حد ۲۵۰۰ نفر است ولی این رقم با شرایط طبیعی ، اجتماعی و اقتصادی تغییر بسیاری کند چنانکه در دانمارک هر محلی را که بیش از ۲۵۰ نفر سکنه داشته باشد شهری خوانند در حالیکه شهر در کشور کره نباید از چهل هزار نفر کمتر جمعیت داشته باشد .

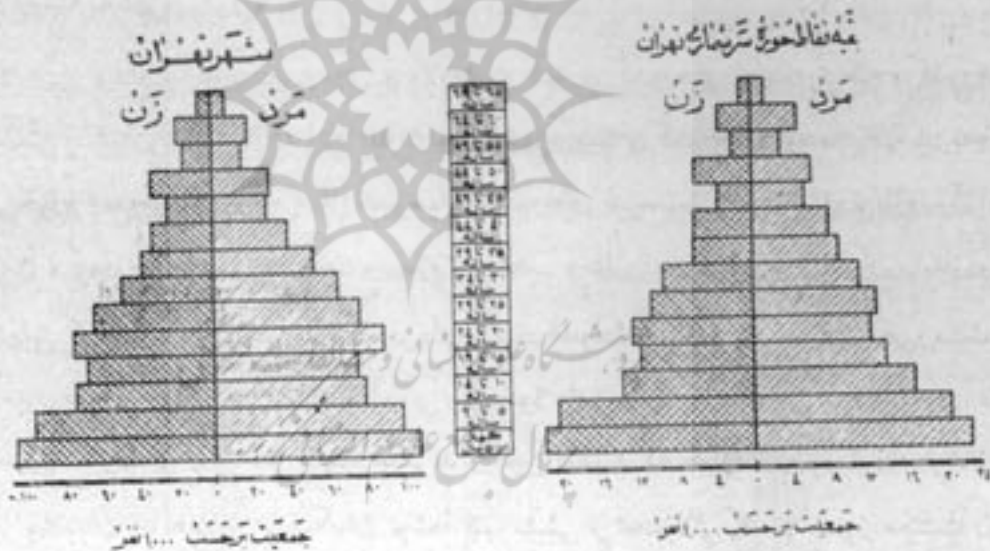
ما در جای دیگر از خصوصیات روحی و اجتماعی لازم برای به وجود آمدن شهر نشینی و تفکیک آن از روستا نشینی یاد کرده ایم و رقم جمعیت تنها یکی از این خصوصیات تواند بود . در ایران از لحاظ دموگرافی تعریف روشنی برای شهر وجود ندارد . در سر شماری ۱۳۳۵ معمولاً آمار نقاطی که بیش از ۵۰۰۰ نفر سکنه دارند و نقاطی که جمعیتشان کمتر از این رقم است جدا گانه ثبت شده است و چون این آمار فعلاً در دسترس ماست شاید بتوانیم این رقم را ملاک کار خود قرار دهیم . اگر مقدار جمعیت را در نظر بگیریم شهرهای ایران را بدینسان می توان دسته بندی کرد :

| | | | |
|---------------------|--------------------|-------------------|------------------|
| ۲۰۰/۱۰۰۰ + | از ۲۰۰ تا ۱۰۰ هزار | از ۱۰۰ تا ۵۰ هزار | از ۵۰ تا ۲۰ هزار |
| ۶ | ۵ | ۸ | ۲۳ |
| کمتر از ۲۰ هزار نفر | | | |
| بقیه شهرها | | | |

مهاجرت روستائیان به شهرها در ایجاد شهرهای بزرگ ایران سهم مؤثری دارد و مطالعه « زادگاه » ساکنین شهرهایی که رو به صنعتی شدن می روند نشان می دهد که گاهی نزدیک به نصف جمعیت در جای دیگری پایه جهان گذاشته اند و پس از چندی با کسان خود و با شخصاً در پی کار و پیشه ای روانه شهرهای بزرگ شده اند . بطور مثال می گوئیم که فقط ۴۷ درصد مردم آبادان و ۵۳ درصد مردم تهران در این شهرها متولد شده اند و

بقیه ساکنین آنها از کسانی تشکیل شده‌اند که از مناطق دیگر به این دوشهر کوچ کرده‌اند در حالیکه اکثر جمعیت شهرهای مانند قزوین (۹۴ درصد)، کرمان (۹۵/۳ درصد) اراک (۹۸ / ۴ درصد) که نمونه‌ای از شهرهای متوسط ایران توانند بود متولد همان شهرها هستند. اگر میزان تراکم نسبی جمعیت را در کیلومتر مربع بنگریم باز هم جدائی زیاد میان شهرها می‌یابیم . این میزان تراکم در شهر تهران ۲/۲۵۳ نفر در کیلومتر مربع در آبادان ۵/۱۷۰ نفر در تبریز ۶/۵۱ در کاشان ۷/۹ نفر و عاقبت در کرمان فقط ۲/۴ نفر است!

ساختمان جمعیت شهر نشینی از لحاظ توزیع بر حسب سن و جنس هر چند که از ترکیب کلی جمعیت در کشور پیروی می‌کند تفاوت‌هایی با روستا دارد و این دگرگونی از لحاظ تأثیری که شرایط اقتصادی و اجتماعی دارد بسیار قابل توجه است . یکی از خصوصیات جمعیت سرزمین‌های توسعه نیافته جوانی جمعیت آنها است و مراد آنست که بیش از



۴۰ درصد جمعیت کمتر از ۲۰ سال دارند . بنابر آمار گیریهای نمونه‌ای گروه‌های سنی کمتر از ۱۵ سال در شهرهای ایران ۴۱ تا ۴۳ درصد و در مناطق روستائی ۴۷ تا ۴۹ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند . این جوانی جمعیت نمره باروری زیاد و مرگ و میر زیاد و کوتاهی عمر متوسط است .

تعداد کسانی که در گروه سنی میانه قرار دارند و جمعیت فعال به‌شمار می‌روند نا چیز است : ۶/۵۱ تا ۵۴ درصد و گروه‌های سنی بالا تر از ۶۰ سال فقط ۴/۲ درصد

۱- این ارقام مربوط به حوزه شهرستان است و برای شهر مرکزی آمار جداگانه وجود ندارد .

شهر نشین و ۱/۸ در صد جمعیت روستا نشین را به وجود آورده‌اند اگر هرم سنی چند شهر را از روی نتایج سر شماری اخیر بشکریم همانطوری که انتظار می رود برآمدگی هائی در بعضی گروه‌های سنی بر بدنه هرم دیده می شود و این نشانه هجوم روستائیان به شهرها است که چون معمولاً شهر در سن کار آنها را به خود جذب می کند لذا بر گروه‌های سنی جوان شهری خصوصاً گروه مردها افزوده می شود.

این جوانی جمعیت در یک کشور به جای آنکه نشانه‌های از پیشرفت بهداشت و زندگی سالم باشد نماینده باروری زیاد و سرک و میر بسیار است و از سوی دیگر این عدم تناسب میان گروه تولید کنندگان (جمعیت فعال میان ۱۹ تا ۵۹ سال) و گروه مصرف کنندگان (تمام جمعیت) دشواریهای بزرگ پدید می آورد. از جانب دیگر شهرها دسته عظیمی از این جمعیت فعال را به خود می کشند و چون همانگونه که اشارت رفت صنایع نوزاد شهری قابلیت جذب همه این کارگران را ندارند نتیجه این جا بجا شدن، انتقال بیکاری پنهان از روستا به شهر می شود.

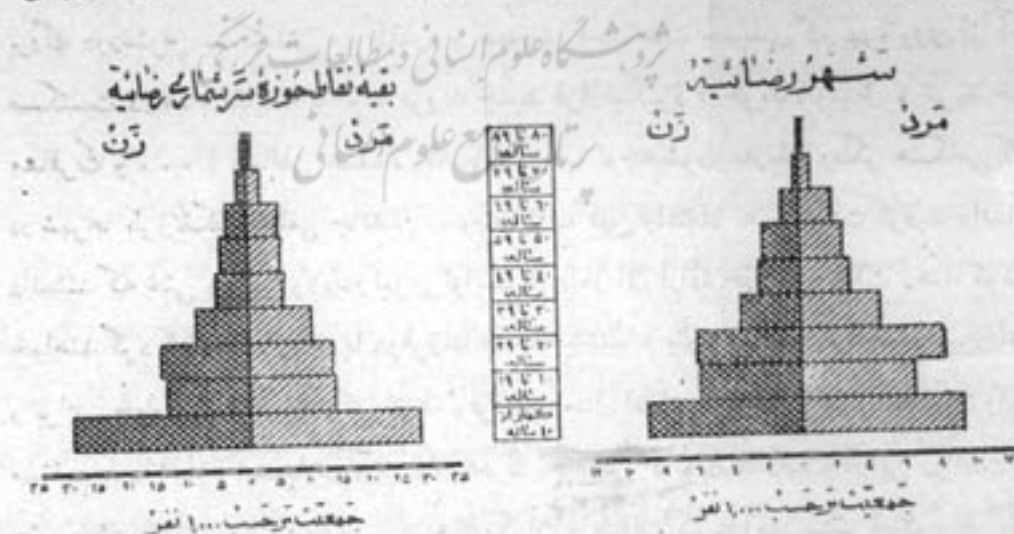
وضع زناشویی و باروری و ولادت نه تنها در کشورهای توسعه نیافته و کشورهای صنعتی یکسان نیست بلکه این تفاوت میان شهر و روستای کشورهای توسعه نیافته نیز به چشم می خورد (عمومیت ازدواج) از خصوصیات کشورهای غیر صنعتی است. از دیرباز عدم آزادی زنان، قیود خانه پدری، آداب و رسوم و مذهب و عللی مانند آنها دختران را به ازدواج تشویق کرده است. از سوی دیگر مردانی که در خانواده وسیع «پدر سالاری» می زیستند و تأمین خود را در آن می جستند به آسانی زن خود را نیز وارد خانواده می کردند بدون آنکه مسئولیت بزرگی را شخصاً بعهده بگیرند و یقین داشتند که خانواده زن و فرزند ایشان را نیز پشتیبان خواهد بود. بیگمان توسعه شهرنشینی و تحولاتی که در طرز معیشت روی داده مسئولیت مرد را در برابر خانواده «زن و شوهری» زیاد کرده است و دیگر این خود اوست که باید به تنهایی راه آینده را بجوید و فرزندان را بزرگ کند. آمار نشان می دهد که عمومیت ازدواج در ایران هنوز اصلی کلی بشمار می رود منتهی در جوامع دهاتی و ایلی کشور ما این رسم شدت بیشتری دارد. بنابر آمار گیریهای نمونه‌ای در ایران ۹۰ درصد زنها تا ۲۰ سالگی و ۹۷/۵ درصد تا ۵۰ سالگی ازدواج کرده‌اند. نتایج سر شماری اخیر ضمن تأیید این پدیده نشان می دهد که عمومیت ازدواج در روستاها بیش از شهرها و میان زنان بیش از مردهاست.

وضع ازدواج برای جمعیت ۱۵ ساله به بالا

| زن دارای همسر | | مرد دارای همسر | | |
|---------------|------|----------------|------|--------|
| بقیه حوزه | شهر | بقیه حوزه | شهر | |
| ۷۴/۷ | ۷۴/۴ | ۷۶/۷ | ۶۹/۹ | آبادان |
| ۷۶/۸ | ۶۸/۰ | ۷۱/۴ | ۶۴/۶ | مشهد |
| ۷۴/۴ | ۶۷/۸ | ۶۹/۳ | ۵۸/۵ | رضایه |
| ۷۳/۰ | ۶۵/۵ | ۶۷/۰ | ۵۹/۸ | تهران |

« ازدواج در سنین پائین » نیز از خصوصیات کشورهای نظیر ایران است. اصولاً زنها زودتر از مردان شوهر اختیار می کنند و سن ازدواج در روستاها پائین تر از شهرها است. در شهر مشهد ۲۵/۲ درصد مردها تا ۲۴ سالگی و ۸۵ درصد زنها تا ۲۴ سالگی ازدواج کرده بودند این نسبت در روستاهای مشهد ۳۲ درصد برای مردها و ۹۰/۲ درصد برای زنها است. در تهران ۲۱/۷ درصد مردها و ۸۰/۵ درصد زنها تا ۲۴ سالگی ازدواج کرده اند و این میزان زناشویی در روستاهای تهران به ۳۰/۳ درصد (برای مردها) و ۸۸ درصد (برای زنها) می رسد. در حوزه های دیگر سرشماری نیز وضع چنین است.

« همخونی در ازدواج » و ناسامانی هائی که از آن پدید می آید مسأله مهمی است. ازدواج همخون دلایل متعددی می تواند داشته باشد: علل مذهبی، آداب و سنن (ازدواج میان پسر عمو و دختر عمو که عقدشان در آسمانها بسته اند !) و یا علل جغرافیائی



و اقتصادی. محدودیت منطقه ای که شخص می تواند در آن همسری برای خود انتخاب کند در کشورهای توسعه نیافته علت اساسی تواند بود. مردمانی که در دیه های دور افتاده به سر می برند پس از چند نسل با یکدیگر همخونی پیدامی کنند زیرا بعلت پراکنندگی دهات،

بودن وسایل ارتباطی و اهمیت خانواده پدربزرگ و جدبزرگ و اهمیت جزایر انتخاب همسر در جامعه دهاتی خود و یا چند ده آنسوی تر ندارند. بیگمان زندگی جدید شهرنشینی رابطه بیشتری بین زن و مرد در دانشگاه، اداره و کارخانه به وجود آورده است و همچنین وجود تفریحات مشترک امکان انتخاب همسر را از خانواده‌های دیگر و حتی از قشرهای اجتماعی دیگر بیشتر کرده است. ازدواج ایرانی‌ها با خارجی‌ها مرحله پیشرفته آنست. سطح باروری و ولادت در اثر عواملی که از آنان یاد شد در کشورهای غیرصنعتی بالا است. ولی میان شهر و روستا باز هم اختلافی موجود است و آمار نشان می‌دهد که زنانی که در سن باروری هستند در شهرها بسیار کمتر از روستاها فرزند می‌آورند. این باروری زیاد انگیزه‌های متعدد دارد. عقاید مذهبی و آداب و سنن ملی و دهاتی و ایلی پابندی به خانواده و علاقه به بقاء آن را تشویق می‌کند در این کشورها هیچ نوع مقرراتی برای جلوگیری از تکثیر نسل وجود ندارد و اعتقاد به اصول اخلاقی و مذهبی هر نوع و سوسه‌ای را برای استفاده از وسایل جلوگیری از تکثیر نسل مهار می‌کند.

شهرنشینی امکانات بیشتری برای کم کردن باروری به وجود می‌آورد. برای زنانی که کار می‌کنند و آزادی اقتصادی و فکری خود را به دست آورده‌اند داشتن اولاد زیاد برای استوار کردن بنیان زناشویی ضرور بنظر نمی‌رسد و گذشته از آن اندیشه تربیت فرزند و خرج آن خانواده‌ها را به تفکر بیشتر در این مسأله وامی‌دارد. دشواریهای ناشی از نداشتن مسکن و جای کافی، کمی درآمد، تفریحات و سرگرمی‌های فکری و هنری که يك شهر بزرگ در دسترس ساکنینش می‌گذارد و همچنین احتیاجات جدیدی که بهره‌وری از آنها ممکنست در مقام مقایسه با تولد فرزند جدید قرار بگیرد (خرید اتومبیل، خرید خانه مسافرت و...) مسائلی هستند که باید بدانها توجه شود. به زبان دیگر هنگامی که در شهرها طرز تفکر منطقی جانشین رسوم و آداب کهن و اعتقاد به سرنوشت گردید و انسانها دانستند که حتی در امر ولادت نیز می‌توانند تا اندازه‌ای اراده خود را دخالت دهند کوشش خواهند کرد که بیش از يك یا دو فرزند نداشته باشند تا بتوانند ایشان را خوب پروراند و برای خود نیز يك زندگی مرفه و فراخور حال انسانی فراهم آورند. این میل رابطه مستقیم با درآمد، تحصیلات و نیروی تحرک اجتماعی خانواده‌ها دارد و از این رو است که حتی در شهرها نیز میزان باروری میان کارگران و طبقات کم درآمد بیشتر است.

در مطالعه حرکات جمعیت وقتی چگونگی امر ازدواج و باروری و ولادت بیان شد از مرکب و میزان آن سخن می‌رود. مسأله مرکب و میرد در شهر و روستا یکسان مطرح

نمی‌شود. در شهرها خصوصیات شهر نشینی و زندگی صنعتی و عواقب آن است که انسانها را به سوی مرگ می‌راند درحالی که در روستا مشکل اساسی نبودن وسایل مبارزه با مرض است. هوا و فضای شهر ناسالم‌تر از روستا است و این بر اثر کثرت و تراکم جمعیت، وجود کارخانه‌ها و زندگی دسته جمعی است. علاوه بر آن فرسودگی و خستگی ناشی از کار شدید و صدای دائم اعصاب شهریان را می‌فرساید. گذشته از آن ناملایمات روحی، عجله و شتاب، تکرار شب زنده دارها و خصوصاً دقت و سواس آمیز به وقت و آگاهی به گذشت زمان نیز باعث بروز بیماری‌هایی می‌شوند که قبل از مرحله صنعتی در بسیاری از کشورها شناخته نبودند. میزان مرگ و میر علی‌رغم تنزلی که در سی سال اخیر نموده هنوز بالا است: ۱۵ تا ۲۱ در هزار. امروز جدال با مرگ در همه جای دنیا آنگونه درخشان و پرنم است که اثرات آن حتی به دورترین روستاها نیز راه یافته است (مبارزه با مالاریا، با آبله و ...) ولی یکمان شهرها و خصوصاً برخی از طبقات اجتماعی بیشتر بهره مند شده‌اند. اکثریت شهرنشینان به دستگاه‌های بهداشتی نسبتاً کامل دسترسی دارند درحالی‌که ده نشینان و ایل نشینان از بهداشت و درمان محرومند و هنوز نزد ایشان طب جای جادو را توانسته است بگیرد. البته خرافات هنوز در شهرها هم بکلی از بین نرفته و بسیاری کسانی که روش‌های قدیمی معالجه را به طب جدید ترجیح می‌دهند، تنها رقم نسبتاً درستی که درباره مرگ و میر نوزادان داریم (مرگ و میر نوزادان تا ۱۲ ماهگی) نتیجه آمارگیری نمونه‌ای روستاهای جنوب تهران است یعنی ۲۱۶ در هزار. چند آمارگیری محدود نیز که برای اطلاع از این مرگ و میر در محلات مختلف تهران انجام گرفته اعدادی را در همین حدود برای محلات جنوب نشان می‌دهد. میزان مرگ و میر در شمال شهر کمتر است.

*** علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ***

میزان ولادت در ایران در حدود ۴۵ در هزار و میزان مرگ و میر ۲۰ در هزار است. بدینسان جمعیت به نسبت ۲۵ در هزار و بابه عبارت دیگر ۲۵ درصد در سال روبه افزایش می‌رود. روستاها که کنجایش تازه واردین را ندارند لبریز می‌شوند و گروه‌های عظیم انسانی به سوی شهرها کوچ می‌کنند. شهرها باید از هم اکنون خود را آماده کنند و نه تنها کار و وسایل زندگی برای روستائیان مهاجر و اضافه جمعیت شهر نشین فراهم آورند بلکه نقش و قطب‌های توسعه را در عمران و آبادانی مناطق اطراف داشته باشند.

جمشید بهنام - شاپور راسخ